

نکاتی در باب بهداشت و سلامت عمومی در «نشریه شکوفه» با تکیه

بر سلامت مادر و کودک

الهد باقری^۱

شهناز خواجه^۲

چکیده

انقلاب مشروطه یکی از تحولات تأثیرگذار در دوران معاصر ایران می‌باشد که در اوضاع اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور تأثیر چشمگیری داشت. با آغاز جنبش مشروطیت، این فرصت برای بانوان فراهم آمد که با انتشار نشریه‌های ویژه زنان به طرح برخی مسائل همچون ضرورت توجه به بهداشت فردی و عمومی، به خصوص سلامت مادر و کودک، بپردازند.

توجه به بهداشت و سلامت یکی از ویژگی‌های مدرنیته می‌باشد که در آن زمان، نشریات زنان این مهم را جهت این گروه به عهده داشتند.

مریم عمید سمنانی ملقب به مزین السلطنه جزء بانوان ایرانی بود که دومین نشریه اختصاصی زنان را به نام شکوفه منتشر کرد. این نشریه در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ ق. / ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۶ م. در تهران انتشار می‌یافت. این نوشتار بر آن است ضرورت‌های توجه به بهداشت و سلامت جامعه، به ویژه مادر و کودک، را در سال‌های یاد شده و از نگاه نشریه شکوفه بررسی کند.

این بررسی نشان می‌دهد که بیشتر بحث‌های سلامت در این نشریه به سلامت دوران بارداری و زایمان زنان و نیز سلامت کودکان اختصاص داشته است. زنان علاوه بر

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: shahnazkhaje@yahoo.com

نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۲۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۵/۷

نگهداری از کودکان، مسؤول مراقبت از سلامت و بهداشت دیگر اعضای خانواده نیز بودند.

واژگان کلیدی

نشریه شکوفه، حفظ‌الصحه، بهداشت خانواده، بهداشت مادر و کودک، بهداشت

مدرسه

نگاتی در باب بهداشت و سلامت عمومی در «نشریه شکوفه» با تکیه بر سلامت مادر و کودک

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب مشروطه، روزنامه‌نگاری برای زنان و انتشار نشریه‌های خاص آنان آغاز شد. (۱۳۲۸ ق.)^۱ این نشریه‌ها از بهداشت و سلامت، به ویژه سلامت زنان، با تأکید سخن می‌گفتند. توجه آن‌ها به حفظ‌الصحه بر حسب وظایفی بود که زنان در حوزه خصوصی بر عهده داشتند. زنان مدیر خانه و مسؤول ایجاد خانه‌ای سالم بودند. خانه سالم نیز شهر سالم و کشور سالم به همراه می‌آورد. شکوفه دومین نشریه تخصصی زنان بود که بانو مزین‌السلطنه به انتشار آن همت گماشت. یکی از دغدغه‌های این نشریه سلامت و بهداشت بود.

مریم عمید معروف به مزین‌السلطنه از زنان روشنفکر و آگاه دوره قاجار به شمار می‌رفت.^۲ وی در ذی‌الحجه ۱۳۳۰ ق.^۳ نشریه شکوفه را در تهران منتشر کرد. نشریه شکوفه (۱۳۳۰ ق.)^۴ در نخستین شماره خود نوشت: «روزنامه‌ای است اخلاقی، ادبی، حفظ‌الصحه اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان. راجع به مدارس نسوان مقالاتی که با مسلک جریده موافقت داشته باشد، پذیرفته می‌شود.» نشریه شکوفه دوبار در ماه منتشر می‌شد و انتشار آن چهار سال پی‌درپی از ذی‌الحجه ۱۳۳۰ تا ذی‌القعدة ۱۳۳۴ ق.^۵ در چهار صفحه ادامه یافت. (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶ ش.)^۶

نشریه شکوفه حجم زیادی از مطالب خود را به مسائل و توصیه‌های بهداشتی اختصاص می‌داد و می‌کوشید مردم، به ویژه زنان، را به اهمیت رعایت بهداشت در حفظ سلامت آگاه نماید. با این حال، باید در نظر داشت که نرخ سواد در آن روزگار بسیار پایین بود. در واقع، تنها عده اندکی از مردم، به خصوص شهرنشینان، باسواد بودند. از این رو فقط شماری از مردم می‌توانستند روزنامه بخوانند. البته نشریه شکوفه با توجه به این نکته، از خوانندگان خواست نشریه را برای بی‌سوادها

نیز بخوانند تا آنان نیز از مطالب مندرج در آن استفاده نمایند. علاوه بر این، در برخی از شماره‌ها با درج کاریکاتورهایی، موضوع مد نظر خود را به افراد منتقل می‌نمود.

نشریه شکوفه، بهداشت و سلامت را از تشکیل خانواده تا به دنیا آمدن فرزندان و ورود آنان به مدرسه و محیط مد نظر قرار می‌داد. در این نوشتار، نگارندگان کوشیده‌اند پاسخی برای پرسش‌های زیر جستجو نمایند:

- ۱- مطالب بهداشتی و درمانی مندرج در نشریه شکوفه چه سمت و سویی داشت؟
- ۲- نشریه شکوفه، چه اهدافی را در راستای ارتقای سلامت مادر و کودک دنبال می‌نمود؟

پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند نقش مهمی در آشکار شدن قسمت‌های نادیده انگاشته شده از تاریخ پزشکی و نقش زنان در ارتقای سلامت عمومی در عصر قاجار ایفا نماید. این موضوعی است که بیشتر منابع تاریخی باقیمانده از آن روزگار بدان اشاره‌ای نکرده‌اند. روش پژوهش در این مقاله به روش اسنادی است که به دلیل خصلت تاریخی آن به صورت کتابخانه‌ای است.

الف - توجه به بهداشت خانواده در نشریه شکوفه

نشریه شکوفه، زنان را بیش از دیگر اعضای خانواده مسؤول حفظ سلامت خانواده می‌داند و بر این باور بود که آنان باید مراقبت کنند که اعضای خانواده از آب و غذا و نیز هوای سالم برخوردار باشند. همچنین زنان باید مواظب سلامت و آسایش روانی همسر و فرزندان خود باشند. از این رو زن خانه‌دار برای این‌که زندگی راحتی داشته باشد و بتواند شوهر و فرزندان خود را به خوبی اداره نماید، بایستی همچون طبیب خانوادگی عالم و باتجربه‌ای باشد که از امراض جزئی و کلی

و ارثی خانواده اطلاع کافی دارد. زن باید بتواند حفظالصحه خانه و نیز نبض شوهرش را در دست بگیرد و از امراض و اخلاق ظاهری و باطنی وی آگاه باشد. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۲ق.)^۷

نشریه شکوفه توجه زنان را به چند نکته مهم درباره تغذیه خانواده جلب می‌نمود. این نشریه تنوع غذایی را ضروری و عادت به مصرف نوع یا انواع خاصی از غذا را سبب بسیاری از بیماری‌ها برمی‌شمرد. پس، مادرها باید فرزندان خود را به انواع غذاها عادت دهند. مهم این است که غذا بهداشتی باشد، مثلاً سبزی خوب شسته شود یا گوشت سالم باشد، ظرف‌ها تمیز باشد، غذا مانده نباشد یا روی آن باز نباشد. همچنین، از مصرف غذا حتی‌الامکان در ظروف مسی باید خودداری و به جای آن از ظروف سفالی استفاده کرد. البته به شرط آنکه شکسته و بندزده نباشد. سفره نیز حتماً باید تمیز باشد و بو ندهد. علاوه بر این، مادران نباید اجازه دهند که کودکان‌شان معده خود را با تنقلات ناسالم و دیرهضم پر کنند. همچنین، باید به یاد داشته باشند که غذای کودک، شب‌ها سبک‌تر تا هضم آن سریع‌تر باشد. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۲ق.)^۸

نشریه شکوفه در حفظالصحه و تدبیر منزل می‌نویسد در آزمایش‌های جدید ثابت شده است که در گوشت، ماهی، پنیر، خمیر و سفیده تخم‌مرغی که در جاهای نمناک و رطوبت‌دار می‌گذارند، زهرهای کشنده‌ای ایجاد می‌شود. همچنین گوشت‌هایی که با دود خشکانده یا در جعبه نگاه می‌دارند، باعث تلف شدن افراد می‌شود، زیرا دیر می‌خشکد و فاسد می‌شود. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ق.)^۹

واضح است که گوشت در مکان‌های مرطوب زودتر از مکان‌های خشک فاسد می‌شود. حرارت نیز باعث زودتر فاسد شدن اجسام می‌شود. به همین دلیل، خوراکی‌ها از جمله گوشت و میوه در تابستان زودتر فاسد می‌شود. پس، کدبانوی

خانه باید مراقب باشد که اعضای خانواده با گوشت و میوه فاسد مسموم نشوند.
(نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ق.)^{۱۰}

نکته‌ای دیگر که نشریه شکوفه درباره بهداشت خانه بدان اشاره نموده، این است که خانه‌تکانی و گردگیری باید هر روزه باشد و نه سالی یک‌بار. ملحفه‌ها را نیز باید هرچند روز یک‌بار عوض کرد. علاوه بر این، اتاق نشیمن و خواب نباید مبله باشد، چون مبل، محل نشو و نمو میکروب‌هاست. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۴ق.)^{۱۱}

نشریه شکوفه در ادامه، مطالبی درباره خواص آفتاب و اهمیت آن در سلامت انسان آورده است. خانه‌ها باید آفتاب‌گیر باشد و پنجره‌هایی برای جریان هوا داشته باشد، چون «خانه‌ای که آفتاب او را تطهیر نکند، به هیچ‌چیز پاک نمی‌شود. خانه‌ای که روشنایی ندارد، میکروب‌ها در تاریکی می‌رقصد.» افزون بر این، خانه‌ها نباید بیش از اندازه درخت داشته باشد که جلوی نور خورشید را بگیرد. بنابراین گل‌کاری در خانه از درخت‌کاری بهتر است. نشریه شکوفه درباره وسعت مکان‌ها می‌نویسد مکان‌ها باید به‌قدر کافی بزرگ باشد، چون از مکان وسیع، شادی خیزد و از مکان تنگ، غم و خستگی. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ق.)^{۱۲}

ب - اهمیت بهداشت مادر و کودک از نگاه نشریه شکوفه

بیشتر بحث‌های سلامت در نشریه شکوفه به بهداشت دوران بارداری و زایمان زنان و سلامت کودکان اختصاص داشت که با نشان‌دادن اهمیت این سال‌ها در زندگی زنان همراه بود. تقریباً در هر دو شماره یک‌بار مطلبی راجع به حفظ‌الصحه منتشر شده است.

بهداشت مادر و کودک به ویژه از نظر افزایش جمعیت و پیشرفت کشور مهم می‌نمود. کاهش جمعیت، چالشی بود که ایران در آن زمان با آن روبرو بود. این در

حالی بود که دختران و پسران اغلب در کودکی و نوجوانی ازدواج می‌کردند. نشریه شکوفه علت این مسأله را ناآگاهی زنان از علم بچه‌داری می‌دانست و بر این باور بود که هیچ کشوری پیشرفت نمی‌کند، مگر بعد از آنکه زن‌های آن این علم را بیاموزند.^{۱۳}

البته لازم می‌دانست که نخست افراد دو نکته مهم را در تشکیل خانواده مد نظر قرار می‌دادند: یکی این که نباید دختران کم‌سن و سال را به ازدواج واداشت، چراکه ازدواج و باروری زودرس، جان مادر و فرزند را به خطر می‌اندازد. دیگر این که ضروری است که پیش از ازدواج، دختر و پسر، از سلامت طرف مقابل اطمینان یابند و به خصوص یقین حاصل کنند که بیماری مسری نداشته باشد، چراکه این بیماری‌ها به همسر و حتی فرزند نیز منتقل می‌شود. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق.)^{۱۴}

نشریه شکوفه حفظ‌الصحه بانوان را با توجه به اهمیت آنان در توالد و تناسل و آسایش نسل بشر ضروری می‌دانست و یادآور شد آنان، به خصوص در سه دوره بارداری، شیردهی (دوسال) و تربیت کودک (تا هفت‌سالگی)، باید به سلامت خود توجه کنند؛ به ویژه در دوره بارداری که حتی زن سالم هم ممکن است به علت بی‌توجهی خود و شوهرش، جانش را از دست بدهد و کودکش نیز تلف شود. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق.)^{۱۵}

نشریه شکوفه از بی‌توجهی شوهران به مشقت زنان در ایام بارداری اظهار تأسف و از بداخلاقی، بدزبانی و نزاع بعضی از آنان در این دوران ابراز تعجب کرد: «چه بسیار دیده شده که مرد، زن را در ایام حمل صدمه و کتک زده و همان اسباب سقط جنین شده و طفل معصوم و مادر، هر دو، مرده‌اند.» به باور نویسنده «زنان همیشه محل ملاحظه‌اند، مخصوص در ایام حمل و زمان رضاع [شیردهی].»

در نشریه شکوفه (۱۳۳۱ ق.)^{۱۶} موقعیت زنان «دول متمدنه» در دوره بارداری را شاهد آورده است:

«در دول متمدنه تربیت شده، زنان حامله از خیلی از زحمات و کارها معاف می‌باشند و نهایت دقت را در حفظ صحت و راحت آن‌ها می‌نمایند. حتی آنکه هرگاه کسی با زن حامله طرف نزاع و ادعایی باشد، حکومت ادعای طرف را تا مدتی توقیف می‌نماید، مبدا اسباب زحمت و اعراض آن زن شود.»

نویسنده در ادامه یادآوری کرده است که امراض زنان بیشتر از امراض مردان است و این به دو علت است: یکی، تفاوت در خلقت و دیگری، بیماری‌های دوران بارداری و زایمان.

۱- تفاوت در خلقت: زنان ظریف‌تر و لطیف‌تر خلق شده‌اند. از این رو، به اندازه مردان طاقت صدمات را ندارند و با اندک زحمت و مشقت خسته و با اندک ناملایمات دچار امراض خطرناک می‌شوند؛ به طوری که در مقایسه با مردان زودتر به یک بیماری خاص دچار می‌شوند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق.)^{۱۷}

۲- بیماری‌های بارداری و زایمان: زنان در دوران بارداری، وضع حمل و پس از آن، به امراضی دچار می‌شوند؛ از جمله امراض رحم، نفاس،^{۱۸} صفاق^{۱۹} و پستان. علاوه بر این، آنان به واسطه نادانی برخی از قابله‌ها به بیماری‌های دیگری نیز مبتلا می‌شوند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق.)^{۲۰}

نشریه شکوفه از این مباحث نتیجه گرفت:

۱- اصولاً زنان خلق نشده‌اند که اعمال شاقه انجام دهند و زحمات بی‌اندازه کشند. با این حال، زحمت و مشقت آن‌ها بیشتر است، به خصوص بعضی از زنان مشرق‌زمین که در خانه‌های کوچک و مرطوب و پرجمعیت همچون زندانی‌اند. آنان به علت تنفس هوای راکد و کثیف اغلب بیمار و بی‌بنیه و غمگین می‌شوند.

پرواضح است که زنان نیز همچون مردان به تفریح و تنفس و استراحت نیاز دارند؛ در حالی که برخی از مردان این موضوع را در نظر نمی‌گیرند و به حفظ‌الصحه زنان توجه نمی‌کنند. نویسنده در ادامه یادآوری می‌کند که زیان این مسائل به خود مردان برمی‌گردد، چون اگر زنان بیمار شوند، هزینه‌های درمان ایشان برعهده مردان است... (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق.)^{۲۱}

۲- دولت باید از ادامه کار قابله‌های نادان جلوگیری کند، چراکه این افراد نه تنها از عالم رَحِم و جنین و نحوه رفتار با زائو و نوزاد اطلاعی ندارند، بلکه همواره حامل انواع میکروب‌های خطرناک هستند. آنان حتی اصول اولیه بهداشت را هم رعایت نمی‌کنند و بدون عوض کردن لباس‌ها یا ضدعفونی نمودن دست‌های خود، چندزائو را می‌زایانند. بدین ترتیب مادران و نوزادان سالم را بیمار و هلاک می‌کنند. در عین حال، دولت باید تربیتی بدهد که یک مامای فرنگی به عده‌ای از شاگردان مدارس دخترانه درس قابلگی بدهد و آنان را از نظر علمی و عملی برای این کار آماده کند. این عده می‌توانند در مدتی که آموزش می‌بینند، بر کار قابله‌ها نیز نظارت کنند تا مادران و نوزادان کم‌تر آسیب ببینند. نشریه شکوفه خود چنین طرحی را به حفظ‌الصحه ارائه داده و موافقت اطبای مسؤول را جلب کرده بود، اما این طرح در اثر برخی مسامحه‌ها و نیز تعطیلی بلدیه (شهرداری) ناکام ماند.^{۲۲} افزون بر این، نشریه شکوفه (۱۳۳۱ ق.)^{۲۳} به دولت پیشنهاد کرد برای زنان، مریض‌خانه‌ای مخصوص دایر کند و اشاره کرد:

«در دول متمدنه، از برای حیوانات مریض‌خانه و اسباب‌های حفظ‌الصحه از هر قبیل مقرر است. زهی بدبختی که زن‌های ایرانی از حیوانات خارجه پست‌تر هستند و علت غفلت از این امر مهم که اساس زندگانی است، در نزد اشخاص عالم باخرد و معرفت هویداست و آن این است که هیچ‌وقت اهمیت به زنی ایرانی

ندادند و در مقام نگاهداری ایشان برنیامدند و حال آنکه علمای این فن شریف می‌دانند که زن‌ها به‌علاوه شرکت عمومی در احتیاج به حفظ‌الصحه عمومی با مردها، بعضی از خصوصیات مخصوص هم دارند که حفظ‌الصحه آن‌ها خیلی اهمیت دارد، از قبیل توالد و تناسل و امراض رحمی و رضاع و...»

حدود دو سال بعد، یکی از اطبا به نام دکتر امیرخان در نامه‌ای به مدیر نشریه شکوفه، از نبود مریض‌خانه‌ای مخصوص زنان و کودکان در شهر بزرگی چون تهران که بالغ بر چهارصد هزار نفر جمعیت داشت، ابراز تأسف کرد و وجود چنین مریض‌خانه‌ای را برای درمان زنان و کودکان نیازمند، ضروری دانست. وی نبود مریض‌خانه زنانه را یکی از علل عدم افزایش جمعیت ایران برمی‌شمرد. از این رو عزم خود را برای دایرکردن چنین مریض‌خانه‌ای اعلام کرد و از مزین‌السلطنه خواست این امر را از طریق نشریه ترویج نماید. نشریه شکوفه نیز ضمن یادآوری خدمات این طبیب نیکوکار در آبله‌کوبی مردم و ساخت مریض‌خانه‌ای دیگر، اندک یا فراوان بودن مریض‌خانه‌های هر کشور را از نشانه‌های عقب‌ماندگی یا پیشرفت آن برشمرد. این نشریه از مردان و زنان ایرانی خواست به جای مخارج بیهوده، مقداری از درآمد خود را به ساخت مریض‌خانه یا دارالمجانین اختصاص دهند. در مریض‌خانه‌ای زنانه با اطبا و پرستاران و کارکنان زن، بانوان می‌توانستند بیماری خود را به راحتی و بی‌خجالت شرح دهند و معالجه شوند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق. ۲۴)

۳- نکته دیگری که نشریه شکوفه همواره بر آن تأکید داشت، این بود که زنان، خود بایستی مراقب سلامتی‌شان باشند تا از بیماری‌ها در امان بمانند. ضمن این‌که آنان باید بدانند که سلامت نوزادی که در رحم دارند، به سلامت خود آنان وابسته است، به گونه‌ای که هرگاه خود بیمار شوند، نوزاد نیز در رحم کم حرکت

می‌کند و هرچه بیماری آنان شدت یابد، حرکت نوزاد نیز کم‌تر می‌شود؛ تا جایی که حتی ممکن است سقط شود. چه بسا امراضی که از مادر در رحم به نوزاد سرایت می‌کند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق.)^{۲۵}

به باور نشریه شکوفه، فرزندآوری مسؤولیت مهمی است که بر عهده زن گذاشته شده است؛ پس باید قبل از انعقاد نطفه، لیاقت و برازندگی خود را برای مادرشدن به دقت بسنجد. به علاوه، ترتیب سلامت جسمی و روحی زن باید بر حسب قاعده باشد و از هرچه باعث زیان دیدن و تلف شدن خود و طفل می‌شود، خودداری کند. غذاخوردن، خوابیدن و استراحت کردن و حتی لباس پوشیدن زن در دوران بارداری باید به گونه‌ای باشد که به طفل آسیب وارد نشود. نشریه شکوفه خوراکی‌های مغذی چون گوشت و تخم‌مرغ را توصیه می‌نمود و مادران را از زیاده‌روی در خوردن میوه و سبزیجات برحذر داشت. همچنین تأکید کرد که زنان باردار نباید کارهای سنگین انجام دهند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق.)^{۲۶}

نشریه شکوفه یکی از نشانه‌های بارداری را حرکت جنین دانست که از ماه‌های چهارم تا پنجم به بعد احساس می‌شود. حرکت جنین را می‌توان به راه رفتن عنکبوت روی پوست بدن تشبیه کرد. وقتی دست سرد بر روی شکم مادر بکشند، این حرکات را اغلب می‌توان با چشم دید. پزشکان با گوش دادن به صدای قلب جنین و دست‌زدن می‌فهمند، زنی باردار است. قلب بچه در هر دقیقه ۱۱۰ تا ۱۶۰ بار می‌زند. از ماه پنجم، صدای قلب بچه از نزدیک ناف مادر شنیده می‌شود. به باور نشریه شکوفه، اگر تعداد ضربان قلب بچه، از ۱۴۰ به بالا باشد، جنین دختر است و اگر پایین‌تر باشد، احتمالاً پسر است. طول مدت حاملگی مختلف و بین ۲۶۰ تا ۲۹۰ روز است. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق.)^{۲۷}

نشریه شکوفه در عوارض حاملگی نوشت: آبستن شدن همچون یک بیماری سخت است که در زنان به وجود می‌آید. مرض حاملگی بیماری‌های دیگری نیز دربردارد. زمانی که زن حامله می‌شود، تغییرات فیزیولوژی در بدن او به وجود می‌آید که بر همه اعضای بدن او تأثیر می‌گذارد، مثلاً وقتی جنین بزرگ‌تر و حجم رحم بیشتر می‌شود، به اعضای دیگر از جمله قلب، کلیه، کبد، ریه و معده و... فشار وارد می‌کند و باعث سرفه، اختلال گردش خون، نفخ، تنگی نفس، تکرر ادرار، استسقاء^{۲۸}، دوالی^{۲۹}، بواسیر^{۳۰} و... می‌گردد. به همین دلیل، زن حامله باید هرچند وقت یک‌بار طبیب را ببیند تا از این امراض جلوگیری کند، که هم خودش سالم باشد و هم بچه‌ای سالم به دنیا بیاورد. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق.)^{۳۱}

البته ممکن است زنان حامله همچون دیگر افراد به بیماری‌هایی دچار شوند که خاص دوره حاملگی نیست. به هر حال، نه پرستاران و نه خود زنان حامله به بیماری‌هایی که در این زنان پیدا می‌شود، اهمیت نمی‌دهند و می‌گویند بیماری‌ها به دلیل حاملگی است، ولی این موضوع اشتباه است، چون ممکن است زن حامله، مثل مردم دیگر، دچار بعضی از بیماری‌هایی شود که ربطی به حاملگی نداشته باشد، مثل ذات‌الریه، آبله، سرخچه^{۳۲} و... هر زن حامله‌ای که به این بیماری‌ها مبتلا می‌شود، باید به سرعت به طبیبی حاذق مراجعه کند، وگرنه جان خود و کودکش در خطر است. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۴ ق.)^{۳۳}

بیماری‌هایی که از عوارض حاملگی است، با توجه به استعداد مزاجی و شخصی زنان باردار مختلف است. این امراض دو نوع می‌باشد: بعضی فقط بر مادر اثر می‌گذارد و به جنین صدمه‌ای نمی‌زند، ولی بعضی دیگر طفل را هم آزار می‌دهد و همچنین گاهی سبب مرگ هر دو می‌شود. برخی از عوارض نوع اول که همه خانم‌ها شکایت دارند، عبارت است از: بی‌میلی و بی‌اشتهایی، دل‌به‌هم‌خوردن و قی،

یبوست، بواسیر، نفخ، افزایش ضربان قلب و دوار (سرگیجه) و بعضی از امراض عصبی مانند بداخلاقی، کابوس، تشنجات و سردردهای عصبی، درد شقیقه، دندان‌درد و اختناق رحم. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق. ۳۴)

بی‌میلی و بی‌اشتهایی، اغلب در همان ابتدای حاملگی است و زنان حامله به خصوص از خوراک‌های حیوانی چون کباب، آب‌گوشت، روغن و تخم‌مرغ و نیز غذاهای گرم بیزارند، ولی از غذاهای ترش و نباتی بدشان نمی‌آید. میوه‌های شیرین را دوست ندارند، اما میوه‌های ترش را طالب هستند. اغلب به سرکه و آبغوره و همه ترشی‌جات میل دارند. آن‌ها بیشتر اوقات غذا را هضم نمی‌کنند و چندان غذا نمی‌خورند، ولی بسیار عطش دارند. در این حالت اغلب، استعمال دارو و تدابیر طبی بی‌فایده است، ولی مراجعه به طبیب و اطاعت از دستورات لازم است، چون صحبت‌های طبیب خود باعث راحتی مریض است. در هر حال، نباید آنان را از غذاهایی که مایل هستند، منع کرد، مگر این‌که اطبا مصلحت بدانند. گردش کردن هم اغلب مؤثر است. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق. ۳۵)

اغلب زنان حامله، حالت تهوع یا قی دارند و اسید معده‌شان بیش از اندازه است. حالت تهوع به مراتب بدتر از قی کردن است؛ چون در حالت دوم، شخص تا اندازه‌ای راحت می‌شود. این عوارض یا فقط در حاملگی اول است و در حاملگی‌های بعدی روی نمی‌دهد یا تنها در چند ماه اول است و به تدریج از بین می‌رود، یعنی، اغلب دو تا چهار هفته بعد از آبستنی شروع می‌شود و تا دو سه ماه باقی است و بعد به تدریج از بین می‌رود و به ندرت تا آخر حمل باقی می‌ماند. گاهی قابله‌ها به اشتباه می‌گویند قی کردن مربوط به جنسیت جنین است، ولی این موضوع از نظر علمی صحت ندارد و دلیل واقعی آن در پرده ابهام است.

در بعضی از زنان، قی کردن به حدی است که غذا از دهان مادر پایین نمی‌رود و ضعف مزاج و تحلیل بنیه را هم موجب می‌شود. در نتیجه، غذای جنین هم کم می‌شود و درست رشد نمی‌کند. پس، زن باید زودتر به طبیب مراجعه کند، شاید مفید باشد. به ویژه اگر این حالت بسیار سخت باشد، باید تا جنین در حرکت شدید قی، سقط نشده است، به سرعت به طبیب مراجعه کند. اما اگر به طبیب دسترسی ندارد، نوشیدن آب‌های معدنی قلیایی و گازدار سردشده و گاه شربت‌های پُر از یخ مانند آب‌انار، دوغ، نارنج، سیب، آبلیمو، سکنجبین و به‌لیمو مؤثر است. مصرف اسید طرطریک (جوش‌ترش) و سایر ترشی‌جات هم برای خنثی کردن ترشی معده بی‌فایده نیست. گاهی نیز جوش‌شیرین و کاسنی و آب‌آهک را برای درمان این بیماری تجویز می‌کنند. علاوه بر این، بلعیدن قطعات کوچک یخ مفید است، ولی از همه بهتر، گردش و حرکت و سواری در هوای خوب است. به طور کلی، زن حامله خود را عادت دهد که روزی دو ساعت در هوای آزاد گردش کند و به کارهای روزانه‌اش برسد، نه این‌که عادت کند که مدام بخوابد. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق. ۳۶)

معالجه در بعضی از عوارض حاملگی اثری ندارد؛ از جمله امتلاء که اغلب زنان حامله، به خصوص از ماه هفتم، بدان مبتلا می‌شوند. نشریه شکوفه منظور از امتلاء را نه پُری معده و روده، بلکه تغییر در کمیت و کیفیت خون دانست؛ به گونه‌ای که گلبول و کربنات خون افزایش یابد. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۴ ق. ۳۷)

دو بیماری دوالی و بواسیر اغلب در ماه‌های آخر به وجود می‌آید و تا پایان حاملگی با زن است، چون این امراض از عوارض بزرگ‌شدن رحم و فشار آوردن به دیگر اعضا است. به هر حال، بهتر است پاها را از طرف پایین به بالا مالش دهید تا جریان خون بهتر حرکت کند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۴ ق. ۳۸)

حفظالصحه زنان حامله از این قرار است که باید خود را از سرماخوردگی حفظ کنند و از لباس‌های تنگ، زانوبند، کمربند و کفش‌های تنگ استفاده نکنند. زنانی که چندین بار حامله شده‌اند، خوب است از شش‌ماهگی شکم‌بندی که زیاد فشرده نباشد، استفاده کنند و در زمستان، به خصوص شب‌ها، از اتاق بیرون نیایند و خود را گرم نگاه دارند. غذای مقوی بخورند و با خوردن بعضی از غذاها از یبوست جلوگیری کنند. حرکات تند انجام ندهند و خود را خسته نکنند. از ماه چهارم، مرتب ادرار خود را به داروخانه‌ها بدهند تا آزمایش کنند که از بیماری‌هایی که در زمان حاملگی و بعد از آن برای خانم‌ها پیش می‌آید، جلوگیری شود. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق. ۳۹)

آیه باقری، شهناز بی‌باغی

«از جمله حفظالصحه زنان حامله، انتخاب مکان و مسکن است.» زن حامله باید حتی‌الامکان در معرض آفتاب و هوای آزاد باشد، چون این امر باعث تصفیه خون مادر و جنین و نشو و نمای طفل می‌شود. به همین علت است که کودکان روستایی با کودکان شهری تفاوت دارند و از رنگ و رو و رشد و قدرت بهتری برخوردارند. همچنین زنان حامله باید تا حد امکان در منزل‌های تاریک و مرطوب و کوچک زندگی نکنند، چون این یکی از عوامل سقط جنین است.

یکی دیگر از عوامل سقط جنین، زندگی در خانه‌های پرجمعیت می‌باشد، چون در اتاقی که جمعیت آن زیاد باشد، هوا کثیف‌تر است و بازدم افراد برای یکدیگر همچون سم است. حتی خود زنان حامله تجربه کرده‌اند زمانی که در اتاق پرجمعیت می‌خوابند، چندی نمی‌گذرد که طفل به حالت اضطراب می‌افتد و دیگر حرکت نمی‌کند. همچنین است هوای مردابی که سبب سقط جنین می‌شود. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق. ۴۰)

نشریه شکوفه تذکر می‌دهد که از همان ابتدا درصدد انتخاب قابله آگاه و باتجربه باشید. به او لباس تمیز بدهید که هنگام وضع حمل، اول لباس‌های خود را کامل عوض کند، دست‌هایش را با صابون سوبلمه^{۴۱} یا محلول پرمنگنات بشوید یا اگر نیست، با آب جوشیده سردشده با صابون بشوید. همچنین، مشمع و تشک و پارچه‌هایی را که برای این کار لازم است، ضدعفونی کنید. بدین منظور، از موادی مانند آنتی‌سپتیک یا محلول خفیف اسید فنیک استفاده کنید یا ماده دیگری که طبیب دستور می‌دهد یا خود قابله صلاح می‌داند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۲ ق. ۴۲)

پس از زایمان، بسیاری از زنان تا دو سه روز شیر خود (لباء) را به نوزاد نمی‌دادند و آن را می‌دوشیدند و دور می‌ریختند؛ به این عنوان که برای نوزاد زیان‌آور است و طفل نمی‌تواند آن را هضم کند. آنان در عوض، به طفل کره و نبات می‌خوراندند. نشریه شکوفه از این عادت و باور غلط انتقاد کرد و آن را برای سلامت نوزاد زیان‌آور دانست. این نشریه با استناد به گفته یکی از حکمای فرانسه، مزایای لباء را برشمرد؛ از جمله این‌که این ماده روده‌های نوزاد را صاف می‌کند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق. ۴۳)

نشریه شکوفه با اشاره به این‌که نوزاد انسان حتی فرق شیر با روغن کرچک را نمی‌داند، تهیه شیر خوب برای او را وظیفه مادر دانست. بدیهی است که این موضوع بار دیگر با تغذیه و سلامت مادر ارتباط می‌یابد. نشریه شکوفه همچنین یادآوری کرد که مادر فواصل شیردهی را باید به‌دقت تنظیم کند؛ یعنی، اول هر یک ساعت یک‌بار و بعد، به تدریج هر دو ساعت یک‌بار به مدت پانزده دقیقه به نوزاد شیر بدهد. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق. ۴۴)

نشریه شکوفه مادران را از سپردن فرزندان خود به دایه برحذر می‌داشت و دلایلی برای این امر برمی‌شمرد؛ از جمله این‌که شیر مادر، اگر مانعی نداشته باشد،

از تمام شیرهای دنیا برای نوزاد بهتر است. علاوه بر این، معلوم نیست که آیا شیر دایه سالم باشد یا نه. حتی ممکن است وی بیماری خطرناک خود را به نوزاد سرایت دهد که پیامدهای بسیاری خواهد داشت.^{۴۵}

این نشریه در زمینه نظافت نوزاد نیز توجه خوانندگان را به نکاتی چند توجه کرد:

۱- نظافت و پاک کردن طفل نورسیده: زمانی که نوزاد به دنیا می‌آید، باید او را شست، ولی باید مواظب بود سرما نخورد؛

۲- احتیاطات لازمه در حفظ چشم بچه: باید مواظب بود آب کثیف و اجسام خارجی وارد چشم بچه نشود؛

۳- شرایط نیکویی استحمام: بچه را باید در تشتی تمیز شست که دوسوم آن آب ولرم باشد، نه زیاد گرم و نه سرد. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۲ ق.)^{۴۶}

ج - نگاهی به بهداشت دهان و دندان در نشریه شکوفه

نشریه شکوفه در مقاله‌ای با عنوان «دختران خوب کدامند؟» می‌نویسد دخترانی خوب هستند که صبح‌ها زود از خواب بیدار شوند و طبق سفارش پیامبر (ص)، پیش از وضوگرفتن، دهان و دندان‌های خود را با مسواک بشویند، چون بدین ترتیب بوی دهان از بین می‌رود، دندان‌ها تمیز می‌شود و نیز دندان‌ها خراب نمی‌شود. همچنین باید آب را در دهان قرقره کند که دهانش تر و تازه شود. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق.)^{۴۷}

افزون بر این، نشریه شکوفه زیر عنوان «کلمات حکمت شعار» به بهداشت دهان و دندان توجه می‌کند و می‌گوید باید حفظ‌الصحه دندان را رعایت کنید، چون «هرکس دندان ندارد، جان ندارد.» اگر از دندان خود به خوبی مراقبت

نکنید و مسواک نزنید، باید در انتظار دندان درد و سوء هاضمه باشید. علاوه بر این، این نشریه (۱۳۳۴ ق. ۴۸) خلال کردن دندان را نیز سفارش می‌کند و می‌گوید: «هرکس خلال نکند، از درد دندان ملال گیرد.» نشریه شکوفه یادآوری می‌کند که آب سرد با وجود خواصی که دارد، برای دندان زیان‌آور است.

د - تأکید بر بهداشت مدرسه در نشریه شکوفه

نشریه شکوفه در چند شماره به بهداشت مدارس توجه کرد. از دید این نشریه، مدرسه دو جنبه ظاهری و معنوی دارد:

۱- ظاهری: که عبارت است از فضا و شکل بنا؛

۲- معنوی: که مربوط است به اعضای مدرسه همچون مدیر، ناظم، معلمین و فراش. انسان هم دو جنبه دارد: ۱- ظاهری مثل عضلات بدن و...؛ ۲- عقلانی و معنوی شامل روح و اخلاق و مسائل عقلانی. پس، مدرسه نیز باید این دو جنبه دانش‌آموزان را در نظر بگیرد، یعنی هم به سلامت جسمی و هم به سلامت روانی آن‌ها توجه کند. این مهم ممکن نمی‌شود، مگر این‌که مدرسه از هر نظر حفظ‌الصحه داشته باشد، مثلاً از لحاظ تربیت، تحصیل، ورزش، خوردنی و نوشیدنی و نیز نوع ساختمان و فضا.

باید توجه داشت که درس دانش‌آموزان نباید بیشتر از ظرفیت روحی آنان و قوه بدنی‌شان باشد. بعضی از دانش‌آموزان که بیشتر از نیروی بدنی خود درس خوانده‌اند، بدخواب و خوراک شده و حتی به امراض روحی مبتلا گردیده یا بیماری‌هایی مثل معده و تنگی‌نفس و درد قولنج گرفته‌اند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق. ۴۹) نشریه شکوفه راه‌حل مسأله را این دانست که پیش از آغاز تحصیل در مدرسه، طبیبی حاذق، هوش و استعداد کودکان را بسنجد تا سطح تحصیلی

مناسب آن‌ها را مشخص کند. همچنین لازم است که طبیب چشم‌های آنان را معاینه کند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق.)^{۵۰}

بنای مدرسه نیز باید مناسب باشد. اتاق‌ها باید صندلی داشته باشد که دانش‌آموزان از رطوبت زمین محفوظ بمانند. در زیر اتاق‌ها باید زیرزمین باشد تا هوا جریان یابد. در جلو اتاق‌ها باید ایوانی عریض باشد که دانش‌آموزان در صورت لزوم در آنجا تفریح و گردش کنند. اتاق‌ها باید ساده باشد و نباید بعضی از رنگ‌های مرکب از مواد سمی از قبیل سرب و آرسنیک و جیوه در آن‌ها بکار رفته باشد، چراکه ممکن است شاگردان به بیماری‌هایی مانند قولنج سربی یا بعضی از بیماری‌های چشم مبتلا شوند. اتاق‌ها نباید نزدیک نهر آب یا توالت یا بعضی از کارخانه‌ها مثل دباغی، کوره‌پزی، چراغ برق و... باشد.

اتاق‌ها باید به اندازه کافی پنجره داشته باشد تا هوا در آن‌ها جریان یابد و دی‌اکسیدکربن حاصل از تنفس افراد جای خود را به اکسیژن بدهد. نباید بیش از گنجایش اتاق‌ها در آن‌ها شاگرد باشد، چون آنان از بازدم خود دوباره تنفس می‌کنند و این مسأله باعث بیماری‌های کشنده‌ای مانند فساد خون و توبرکو^{۵۱} (سل) می‌شود. همچنین توالت‌ها باید متعدد و به وضع جدید باشد و روزی چند بار با آب‌آهک شسته شود. توالت‌ها نباید نزدیک آب‌انبار باشد. در غیر این صورت، رطوبت آن‌ها به آب‌انبار رسوخ می‌کند و باعث امراض عفونی مانند مُطَبِّقَه (تیفوئید)^{۵۲} و مُحَرِّقَه^{۵۳} و... می‌شود. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق.)^{۵۴}

نشریه شکوفه «در شکل هندسی مدارس» نوشت: اتاق‌ها باید آفتاب‌گیر باشد، زیرا نور آفتاب باعث سلامتی جسمی و روحی و عقلانی شاگردان می‌شود و میکروب‌ها را از بین می‌برد. به باور نویسنده، نبود آفتاب به برخی از امراض می‌انجامد. پس، بهتر است اتاق‌ها رو به جنوب و مشرق ساخته شود تا آفتاب‌گیر

باشد. همچنین در مقابل آنها نباید درخت‌های بزرگ باشد، چون جلوی نور آفتاب را می‌گیرد. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق.)^{۵۵}

افزون بر این، نشریه شکوفه در مقاله‌ای با عنوان ناظم غیرمنتظم، ویژگی‌های ناظم مدرسه را توضیح داد، از جمله این که وی باید مختصری از طب و حفظ‌الصحه بداند تا خود، شاگردان را هر ماه معاینه کند یا طبیبی امین و عالم را به این کار بگمارد. او باید از آمدن دانش‌آموزانی که بیماری واگیرداری مانند دیفتیری^{۵۶}، سفلیس^{۵۷}، تیفوئید، آبله، سرخچه و... دارند، به مدرسه جلوگیری کند. این دانش‌آموزان باید تا چند روز پس از این که خوب شدند، از مدرسه معاف باشند که اثر مسری‌بودن بیماری کاملاً از بین برود. خود ناظم نیز نباید بیماری واگیرداری مثل سفلیس داشته باشد. همچنین ناظم پیش از حضور دانش‌آموزان باید در مدرسه حضور داشته باشد و از تمیزی آن مطمئن شود. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق.)^{۵۸}

ه - بهداشت محیط از نگاه نشریه شکوفه

توجه به بهداشت فردی بدون در نظرگرفتن بهداشت عمومی امری بیهوده است، زیرا انسان موجودی اجتماعی است که با هم‌نوعان خود در ارتباط است. از این رو نشریه شکوفه به این مسأله نیز توجه داشت و جنبه‌های گوناگون آن را بررسی کرد؛ از بهداشت آشپزخانه‌ها و غذاخوری‌ها گرفته تا بهداشت حمام‌ها و سلمانی‌ها. نشریه شکوفه (۱۳۳۲ ق.)^{۵۹} بهداشت محیط را با دقت نظر موشکافی کرد و گوشه‌هایی از وضعیت ناگوار آن را نمایاند. سپس، برای حل مسأله راه‌حلهایی ارائه داد و ضمن آن، بی‌عملی مسؤولان بلدیه و در واقع، رسیدگی نکردن به این بخش از مشکلات اجتماع را به نقد کشید:

«... اگرچه در مملکت ما حفظالصحه دروغ است و هرگاه کسی بخواهد حفظالصحه بنماید، اسباب سخریه و استهزا است... کجاست حفظالصحه قهوه‌خانه‌ها و آشپزخانه‌ها؟ کدام طبیب معین شده است به رسیدگی این مجامع و اشخاص که عملجات آشپزخانه‌ها و قهوه‌خانه است، معاینه بنمایند و هرکدام از قبیل سفلیس، سل، جَرَب^{۶۰} و... دارند، آن‌ها را از کار توقیف نمایند؟... دیگر عرض نمی‌کنم که آشپزخانه‌ها از جانب اداره حفظالصحه، مفتش‌های صحیح می‌خواهد که چیزهای بد تقلب‌ساختگی مثل روغن بد، کره بد، گوشت مانده بز [یا] میش ناخوش کار نکنند... همه‌روزه و همه‌شب ملاحظه نمایند که غذایی که طبخ شده، زیاد نباشد که بماند و در روز دیگر، به خورد مردم بدبخت بدهند...»

آیه باقری، شهناز بی‌باک

علاوه بر این، نشریه شکوفه پیشنهاد کرد بلدیه، آشپزخانه‌ها و غذاخوری‌ها را وادار کند تا ظروف مسی را زودبه‌زود سفید کنند و آن‌ها را با آب داغ بشویند تا چربی‌ها کاملاً از بین برود، از پارچه‌های سفید برای شستن ظروف استفاده و آن‌ها را زود به زود تعویض کنند و کارکنان‌شان همگی لباس‌های سفید بپوشند تا ناچار شوند با کم‌ترین لک، آن‌ها را عوض کنند. همچنین بلدیه نظارت کند که این مکان‌ها استخوان‌ها و دیگر زباله‌ها را نسوزانند و بوی بد ایجاد نکنند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۲ ق.)^{۶۱}

وضعیت بهداشت حمام‌ها نیز بسیار نامناسب بود. آب خزینه‌ها بی‌اندازه آلوده بود که موجب شیوع انواع بیماری‌های پوستی می‌شد. کارکنان حمام‌ها، چه زنانه و چه مردانه، به بهداشت توجهی نداشتند. در این زمینه نیز نشریه شکوفه انتقاد کرد که طبیبی از حفظالصحه برای رسیدگی به این مسأله مأمور نمی‌شود. همچنین، نشریه شکوفه ضروری دانست که مفتش‌هایی، عملجات حمام‌ها را معاینه کنند تا مطمئن شوند که به بیماری‌های مسری مبتلا نیستند. علاوه بر

این، به بهداشت سلمانی‌ها نیز اشاره کرد و لازم دانست که حفظ‌الصحه را رعایت و دست‌کم تیغ‌ها و ماشین‌ها را پس از هر استعمال در آب بجوشانند و لوازم دیگر را نیز به دقت بشویند. همچنین، طبابت و جراحی نکنند. چنانکه می‌دانیم، سلمانی‌ها در آن دوره کارهایی چون دندان‌کشی و حجامت را نیز به عهده داشتند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق. ۶۲)

نشریه شکوفه در شماره‌ای دیگر به ضرورت تنفس هوای پاک توجه کرد و هوای کثیف و حامل مواد عفونی را در ردیف سموم و بیماری‌زا دانست. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۴ ق. ۶۳) نکته دیگر در این باره، لزوم جریان‌داشتن هوا در مکان‌های پرجمعیت مانند مسجد و بیمارستان و... است، چراکه اسیدکربنیک موجود در هوا زیان‌آور است. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۴ ق. ۶۴)

نشریه شکوفه به ویژگی‌های انواع آب و خواص یا زیان‌های هر یک نیز می‌پردازد. آب آلوده باعث انواع بیماری می‌شود، از جمله وبا^{۶۵}، مطبقة، محرقه و مالاریا^{۶۶}. آب‌های راکد مزاج را خراب و فاسد می‌کند. آب خوب و تمیز را از جریان آن باید تشخیص داد. این آب اگر از کنار معادن عبور کند، به دلیل سرب موجود در آنجا باعث بیماری قولنج^{۶۷} سربی می‌شود. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۴ ق. ۶۸)

نشریه شکوفه در شماره‌ای دیگر، گزارش نطق دکتر مزین‌السلطان درباره امراض و میکروب‌ها را منتشر کرد. خلاصه کلام وی، دوری از حوض‌ها و منبع‌های آب راکد بود، چراکه پشه‌ها مدام از آلودگی این‌گونه آب‌ها تغذیه می‌کردند و با نیش‌زدن افراد، ناقل مالاریا و گاه در صورت جلوگیری‌نکردن، موجب تب‌های دائمی می‌شدند. افرادی که به این تب دچار می‌شدند، همیشه رنگشان زرد و مزاجشان علیل بود. بنابر این گزارش، هیچ‌چیز برای رفع میکروب مالاریا مفید نبود، به غیر از کنه‌کنه که فرد می‌بایست، هرچند روز یکی‌دو نخود از

آن را می‌خورد و حتی‌الامکان از مکان‌های دارای پشه، دوری می‌کرد. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۱ ق. ۶۹)

بیماری دیگری که در آن دوره شیوع داشت، آبله بود. آبله از جمله امراضی بود که تا قرن گذشته میلادی نیز تلفات بسیاری در سراسر جهان برجای گذاشت و هرگاه به صورت همه‌گیر درمی‌آمد، مقابله با آن و مهارش بسیار دشوار می‌شد. در ایران نیز این بیماری جان بسیاری را گرفت یا نشانه‌ای از خود بر چهره و تن آنان باقی گذاشت. کودکانی که به این مرض دچار می‌شدند، به واسطه دانه‌های آبله که بر پوست و دهان و حنجره‌شان ظاهر می‌شد، تا زمانی که از این بیماری جان می‌دادند، بسیار درد می‌کشیدند، هرچند موفقیت ادوارد جنر^{۷۰} در کشف سرم آبله (۱۷۹۶ م.) جان بسیاری از مردم جهان را نجات داد، عده زیادی به این سرم دسترسی نداشتند یا اصولاً از آن بی‌اطلاع بودند.

در ایران از حدود دو دهه پس از کشف سرم آبله، تلاش‌هایی در استفاده از آن صورت گرفت^{۷۱}؛ با وجود این، مسائلی چون باورهای خرافی مردم، به ویژه زنان، اجازه نداد این امر حتی یک قرن بعد رواج یابد. در این دوره، دولت مایه آبله گاوی را از اروپا وارد و اطبای چیره‌دستی را در هر یک از محلات تهران و نیز ولایات معین کرد تا مردم، به خصوص کودکان، را به رایگان آبله‌کوبی کنند. با این حال، به واسطه بی‌توجهی یا خرافی‌بودن مردم، حتی در تهران که مرکز کشور بود، آبله بسیار شیوع داشت. نشریه شکوفه با توجه به ضرورت آبله‌کوبی، این مسأله را در چندین شماره بررسی و به شدت به عقاید خرافی زنان حمله کرد. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق. ۷۲)

نشریه شکوفه علل سهل‌انگاری زنان ایرانی در آبله‌کوبی را بررسی کرد. به نوشته این نشریه، در آن زمان عده‌ای از زنان به علت ناآگاهی، آبله‌کوبی را

بی‌فایده می‌دانستند. برخی دیگر نیز چون آبله‌کوبی، به دلایلی، اثر مطلوبی بر فرزندشان نداشت، به آن بی‌اعتقاد شدند. علت مؤثر نبودن آبله‌کوبی یا کهنگی مایه آبله بود یا محافظت نکردن آن از هوا و آفتاب و نگهداری آن در مکان‌های گرم و مرطوب که بدین ترتیب، خاصیت آن از بین می‌رفت. گاه نیز آبله را درست نمی‌کوبیدند یا به واسطه خونی که از پوست ترشح می‌شد، مایه را خارج می‌کردند یا این‌که مایه وارد بدن نمی‌شد. بعضی اوقات، کودک را آبله‌کوبی می‌کردند و ظاهراً هم مؤثر بود، اما پس از مدتی کودک گرفتار این بیماری می‌شد. این مسأله نیز چند علت داشت که لازم بود به آن‌ها توجه می‌کردند:

۱- ممکن بود مایه آبله، مایه انسانی بوده باشد و نه حیوانی. به عبارت دیگر، به جای این‌که مایه را از گاو بگیرند، از کودکی که آبله داشت، می‌گرفتند و به بدن دیگری می‌کوبیدند. در این صورت، کودک دوم از این بیماری ایمن نمی‌ماند، چراکه فقط مایه‌ای که از پستان گاو و در وضعیتی مناسب می‌گرفتند، فرد را در برابر این بیماری مصون می‌کرد؛

۲- حتی در صورتی که مایه مناسب آبله گاوی را به فرد تلقیح می‌کردند، ممکن بود به دلیل ویژگی‌های بدن‌اش بار دیگر آبله بگیرد.

با توجه به این مسائل، در آن زمان در غرب معمول شده بود که تلقیح را هر چندسال یک‌بار تکرار کنند، به طوری که هر فرد در طول عمرش دست‌کم سه‌بار آبله می‌کوبید. نشریه شکوفه به مخاطبان خود توصیه می‌کرد که آنان نیز چنین رویه‌ای در پیش بگیرند تا فرزندانشان از شر این بلا ایمن بمانند. (نشریه شکوفه،

۱۳۳۳ ق. ۷۳)

در حالی که نشریه شکوفه بر مراجعه به پزشکی حاذق و آبله‌کوبی چندباره پای می‌فشرد، بسیاری از زنان با یکدیگر مشورت می‌کردند و می‌کوشیدند خود

کودکانشان را معالجه کنند. این مسأله برای دست‌اندرکاران نشریه شکوفه پذیرفتنی نبود. آنان تأکید می‌کردند که مردم، به خصوص در معالجه چنین بیماری خطرناکی، باید به پزشکان حاذق مراجعه کنند و خود از دخالت در معالجه بیمار بپرهیزند. (نشریه شکوفه، ۱۳۳۳ ق.)^{۷۴}

نتیجه‌گیری

پس از پیروزی جنبش مشروطیت، برخی از مطبوعات با درک ضرورت بهبود بهداشت و سلامت جامعه، این مسأله را به طور جدی مطرح کردند و کوشیدند نظر مردم و مسئولان را به آن جلب کنند. از آن میان، نشریه شکوفه حجم درخور توجهی از مطالب خود را به این امر مهم و حیاتی اختصاص داد و تلاش کرد بیش و پیش از همه، زنان را در این قضیه درگیر کند، چراکه آنان مسؤول اداره خانه و عهده‌دار تولد و تربیت فرزندان بودند و بیش از دیگران با بهداشت و سلامت خانواده سروکار داشتند. نشریه شکوفه بارها و بارها ضرورت آموختن حفظ‌الصحه و کنارگذاشتن خرافات را به زنان یادآوری کرد و از آنان خواست از خوددرمانی بیماری‌ها بپرهیزند و به طبیبان حاذق مراجعه کنند و اجازه دهند دستاوردهای طب، زندگی آنان و فرزندانشان را بهبود بخشد. البته نشریه شکوفه از مردان نیز خواست تا در این راه زنان را همراهی کنند. همچنین بر عهده دولت دانست که با ساخت بیمارستان‌های زنانه و آموزش قابله‌ها و... به بهبود وضعیت مادران و کودکان یاری رساند. علاوه بر این، نشریه شکوفه به بهداشت عمومی نیز توجه کرد و کوشش نمود دولت را وادار نماید تا به مسؤولیت خود در این زمینه حساس باشد.

صفحه اول	سلاسل	صفحه اول
<p>صفت اشترک در بیان کیار ۵ قران شاهبه ۳ قران سایر کلابات کیار ۵ قران شاهبه ۳ قران مالک خاصه کیار ۵ قران کیار ۳ قران اعلاناسه سلی ۹ قران</p>	<p>باید آمد و روی غنچه است باز آید مست و قه بر سر او رود</p>  <p>بسته ۹ ریح ۱۳۳۱</p>	<p>ازار در دوزخ طراغ نیایان هاشمین فرد (۴۱۱) نساج است ساز دیر به منوره قرین است که صدیه موجود است میز است در بی ریش آل طیار لایح در مقامه یکبار با صکات جریه است دهشته باشد پذیرفته و روح خواهد شد داداره در صکت و مصلح آن بخار و مست راست کتابت بی همتا پذیرفته نخواهد شد</p>
<p>روزنامه مرا به دست اخطای او بی خط الصفا طفال خانم داری بجه داری مسلک استیمش ترجمت و شیرگان و صیفه خلاق زمان ریح برارس استوان عماله نامی و فرط طبع میزند</p>		
<p>که خیال دارند سالها عین و نایاننگی دوچر و سینه است چاقی شیری باشند بکیت فایز و یک رقا نایانها از نایانها میشی و پیش گیرنده در بیان حال کوند کرک در روی عیان شده است که تو به پس معلوم میشود که علم چهره داری و نگاه الحال و تربیت آنها جهت لازم است دگرگشت افراد بشره و ثروت دکت که سرایان و صحرانته نایانها است مست با این مراجعات تجارت در هیچ علوم گشت و مسامت به اصل این علم است زیرا که مکول است بگشت منوس گشت موقوف است به چهره داری و تربیت در همین است تیرا ازال حکما و وسیا که هیچ مکتبی رقیقی نیکند که صبا مکتب</p>	<p>و صبا در ذراع جسم نزدی علم و نایان در ذراع من ذکات در در نوس استنا در نایان است اما کاف و نایان مان در رساله که نایان و نایان مان را در پانزده ساله که در افلا نایان در چهارتن هندی و سینه با وجود این نوس حساسیه را در در ان قص است حال نیکه با این از نایان مان نوس با علاوه باشد جهت است نایان است که نایان نایان و سرقی و خطا نایان مان که در من شد الحالی نایان صحت خودی بنا نایان مان در دهن در نایان خان آزده بگشت پای و گمراهات نایان مستدم می شود چاره الحالی نایان</p>	<p>در حفظ الصلح اطفال در روز سابق عرض شد که در چهره داری الحال نایان در بازار تجارت مسافرت از او گشته و نایان را در نایان و نایان است صبح در دست نایان بدلیل واضح نایان که نایان مجموعه در دست بود با در نایان در نایان باشد در نایان حال نایان سکین است در نایان رسم است در نایان نایان در نایان نایان در نایان نایان نایان نایان دو نایان</p>

حفظ الصحه اطفال، نشریه شکوفه، س ۱، ش ۱۷، ۹ ذی الحجه ۱۳۳۱، ص ۱

نکاتی در باب بهداشت و سلامت عمومی در «نشریه شکوفه» با تکیه بر سلامت مادر و کودک

شکوفه

مهره هشتم

صفحه (۲)

<p>کافی نباید که باید زمان و جنس آنکه بکند خیر غایک باشد تمدن و محصل و تبرع خارج است که در مقام زمان است اساس در آن و حفظ الصحة آنها نیز بسیارند و مانند که بخلد و استبداد با ایشان حرکت و امیر و ارباب قرار نمانند و ایشان از تربیت و تحصیل علوم باز دارند که چیزی نیست که شورش بخورد و اگر میگرد زیر و تو می که علیه و مضید شد خارج نماید و ملو او نمود یا خوب شود تا شود و هرگاه که تحصیل کرد و از عهد ترتیب و تعلیم فرزندان داد و در وقت خانه و تربیت امورات کاشا بر خدا بر نیاید باشد در موزه آینه بغیبت از مملکت قبل در هر چه نام است و شرایط او که است مقصد اصلی از در سر باید و مقصود و صیقل و مطلب عملی از در سر همان تحصیل علوم و صنایع بر است نیست بلکه عمده مطلب تهذیب و محقق اعمال است که صفات بر بیدار و تسبیل حد عدولت کذب تمت سرفتن عیسوی هر مرد و تادی لاندیمی بی خصمی بی عشقی بی ناموس عجب نخوت خود ستانی بی باالی کری بر خلقی بر زبانی مکر حیلید شکوفه</p>	<p>در برخی نا اعلیایات و اعراضات نفسانی و چارها در امراض خفیه بدین معنی که چنان مراض که در ذکر و انباشت بر دو عارض میشود جنس انباشت زودتر عارض میگردد و مسویک با ایخلقت لطیف و لطیف که خلق شده اند رحمت و شفقت و و غم آنجا زیا و تراست محض و از زمان مملکت مشرق زمین که در حقیقت مثل آنها مثل اشخاص زمانی است که خاضعی که چاکر بر حقیقت که بر طبق عدم حفظ هوای را که کشف غلبه عقل بنید و نوم مستعوم و نظری میشود در هرگاه بطلان و نکات خلقت در نهایت وقت ملاحظه شود معلوم که زمان خلق شده اند از برای اعمال مآثر و در سخات بی اندازه از وضع طبیعی مخالف ترتیب خلقی آنها باشد و آلابر دوی در بلاکت خواهد افتاد و در صدر خواهد که صدرین بر بردارد این واضح است که همان قسم که مردان سرفتن و تبرع و تقس لازم دارند قسم زنان هم مستبرح و کرد و در احوال لازم دارند مصیبتی شایسته</p>	<p>حاصل میگردد و خاضعی محترمه که پس از آن بعد از عقل جزو مایه و از خدای مفید اصلاح محروم میکنند آن ماولان نسبت به ما بر این خلقت امر الهی را عاقد استند این لیا کرد و بنیاست که شما بظلم میاید چه خداوند دانم و حکم خدای عقل را قبل از آمدن تیبیا فرموده و تصرف امر الهی لیل جهالت است که در که آنچه در روز مفضل داده میشود عقلی مدو و عقلی هم میرسد بعلاوه (کرویات) یعنی ماده که (ایا) یا که روایت شیر فرق کلی دارد حفظ الصحة در سابق ذکر شد که امراض زنان دو علت زیاد تراست از امراض اول بواسطه تفاوت در خلقت و نسبت به آنکه زمان ظریف و لطیف تر و دقیق تر خلق شده اند آنها دقیق و نازک و عضلات آنها کوچک و باریک و اندام آنها ضعیف و جلد آنها نرم و ولین و تعلیلات شیره و جسامات عصبیه آنها زیاده و درین اسطه طاقت مصداقات خارجیه مانند مردان ندارند و در وقت و مشقت حتم و مانده میگردد</p>
--	---	--

اللهه باقری، شهناز خواججه

پی‌نوشت‌ها

۱. برابر با ۱۹۱۰ م.
۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: دایره‌المعارف زن ایرانی، ۱۳۸۲ ش، ج ۲، ۸۲۹ و ۸۴۲.
۳. برابر با ۱۹۱۲ م.
۴. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۱، ذی‌الحجه ۱۳۳۰ ق، ص ۱.
۵. برابر با ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۶ م.
۶. ص ۱۷۳
۷. نشریه شکوفه، س ۲، ش ۲۳، ۳۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۲ ق، صص ۳-۴.
۸. نشریه شکوفه، س ۲، ش ۲۱، ۲۰ ذیحجه ۱۳۳۲ ق، صص ۳-۴؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: س ۳، ش ۱، ۶ محرم ۱۳۳۳ ق، ص ۴؛ س ۴، ش ۴، ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ق، صص ۳-۴؛ ش ۶، ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴ ق، ص ۴.
۹. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۳، ۱۵ صفر ۱۳۳۳ ق، ص ۴.
۱۰. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۲، ۲۸ محرم ۱۳۳۳ ق، ص ۴؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ش ۴، ۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ق، ص ۳.
۱۱. نشریه شکوفه، س ۴، ش ۳، ۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ق، ص ۴.
۱۲. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۱۶، ۱۰ ذی‌القعدة ۱۳۳۱ ق، صص ۳-۴؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: س ۴، ش ۱۰، ۱۰ رجب ۱۳۳۴ ق، صص ۳-۴؛ ش ۱۱، ۱ ذی‌القعدة ۱۳۳۴ ق، ص ۴.
۱۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: نشریه شکوفه، س ۱، ش ۱۵، ۲۰ شوال ۱۳۳۱ ق، ص ۴؛ ش ۱۷، ۹ ذی‌الحجه ۱۳۳۱ ق، صص ۱-۲؛ س ۲، ش ۱۲، ۱ رجب ۱۳۳۲ ق، ص ۴؛ س ۳، ش ۶، ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق، صص ۲-۴؛ س ۴، ش ۵، ۳ جمادی‌الاول ۱۳۳۴ ق، صص ۲-۳.
۱۴. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۷، ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق، صص ۱-۲؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ش ۱۹، ۴ ذی‌الحجه ۱۳۳۳ ق، ص ۴.
۱۵. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۴، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ق، ص ۳؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ش ۸، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۳۱ ق، ص ۱.
۱۶. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۵، ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ق، ص ۲.
۱۷. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۸، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۳۱ ق، ص ۲.
۱۸. خون ولادت و دوره زمانی در حدود سه تا شش هفته پس از زایمان که طی آن، تمام تغییرات حاصل از بارداری در بدن مادر به شکل طبیعی برمی‌گردد (بنگرید به: لغت‌نامه دهخدا).

۱۹. پرده‌ای است دوجداره و دارای ترشح مخصوص در بین دو جدار که منضم به اعضای داخل بطن و لگن است (بنگرید به: فرهنگ فارسی معین).
۲۰. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۵، ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ق، ص ۲.
۲۱. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۸، ۱۷ جمادى‌الاول ۱۳۳۱ ق، ص ۲.
۲۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: نشریه شکوفه، س ۱، ش ۱۲، ۲۸ شعبان ۱۳۳۱ ق، ص ۳؛ ش ۱۴، ۲۸ رمضان ۱۳۳۱ ق، صص ۱-۲؛ س ۲، ش ۱۰، ۲۰ جمادى‌الاول ۱۳۳۲ ق، ص ۲.
۲۳. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۱۲، ۲۸ شعبان ۱۳۳۱ ق، ص ۳.
۲۴. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۱۲، ۲۳ رجب ۱۳۳۳ ق، صص ۲-۴.
۲۵. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۵، ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ق، ص ۲.
۲۶. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۵، ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ق، ص ۲؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ش ۸، ۱۷ جمادى‌الاول ۱۳۳۱ ق، صص ۱-۲.
۲۷. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۶، ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق، ص ۴.
۲۸. جمع‌شدن مایعات در شکم است که بیشتر با بیماری قلب و جگر همراه است. شکم مریض ورم می‌کند و آب بسیار می‌نوشد و عطش فوق‌العاده‌ای احساس می‌کند (بنگرید به: میر، ۱۳۷۸ ش، ج ۱، ص ۸۵).
۲۹. مرضی که در ساق‌های بیمار عروق سخت و پیچنده و سبزرنگ پیدا می‌آید (بنگرید به: لغت‌نامه دهخدا).
۳۰. تورم مخاط و انساج عضلانی و پوششی اعضای داخلی؛ تورم سیاهرگ‌های نزدیک به مقعد در راست‌روده که اغلب دردناک است و ممکن است در نتیجه فشار، شکاف بردارد و خون دفع شود (بنگرید به: فرهنگ فارسی معین).
۳۱. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۲۰، ۲۱ ذی‌الحجه ۱۳۳۳ ق، صص ۳-۴.
۳۲. جوشی است سرخ‌رنگ که بیشتر بر اندام اطفال پدید آید (بنگرید به: لغت‌نامه دهخدا).
۳۳. نشریه شکوفه، س ۴، ش ۱، ۱ صفر ۱۳۳۴ ق، صص ۳-۴.
۳۴. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۱۶، ۱۵ شوال ۱۳۳۳ ق، صص ۲-۳.
۳۵. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۱۶، ۱۵ شوال ۱۳۳۳ ق، صص ۲-۳.
۳۶. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۲، ۲۸ محرم ۱۳۳۳ ق، صص ۱-۲؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ش ۱، ۶ محرم ۱۳۳۳ ق، صص ۲-۳؛ ش ۵، ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ق، ص ۴؛ ش ۱۷، ۱ ذی‌القعدة ۱۳۳۳ ق،

- ص ۴؛ ش ۱۸، ۱۵ ذی القعدة ۱۳۳۳ ق.، ص ۴؛ ش ۲۰، ۲۱ ذی الحجه ۱۳۳۳ ق.، صص ۳-۴؛ س ۴، ش ۱۰، ۱۰ رجب ۱۳۳۴ ق.، صص ۱-۲). س ۳، ش ۱، ۶ محرم ۱۳۳۳ ق.، صص ۲-۳.
۳۷. نشریه شکوفه، س ۴، ش ۱، ۱ صفر ۱۳۳۴ ق.، ص ۴.
۳۸. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۲۱، ۶ محرم ۱۳۳۴ ق.، ص ۴.
۳۹. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۶، ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۳ ق.، ص ۴.
۴۰. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۴، ۵ ربیع الاول ۱۳۳۳ ق.، ص ۲.
۴۱. ترکیب کلر و جیوه دوظرفیتی که سفیدرنگ و بی بو و بسیار سمی است و برای ضدعفونی کردن زخم‌ها و ازبین بردن قارچ‌ها و حشره‌ها کاربرد دارد (بنگرید به: فرهنگ لغت عمید).
۴۲. نشریه شکوفه، س ۲، ش ۱۲، ۱ رجب ۱۳۳۲ ق.، ص ۴.
۴۳. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۸، ۱۷ جمادی الاول ۱۳۳۱ ق.، صص ۱-۲.
۴۴. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۱۵، ۲۰ شوال ۱۳۳۱ ق.، ص ۴.
۴۵. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: نشریه شکوفه، س ۳، ش ۱۰، ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۳۳ ق.، ص ۳.
۴۶. نشریه شکوفه، س ۲، ش ۸، ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۳۲ ق.، ص ۴؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ش ۹، ۵ جمادی الاول ۱۳۳۲ ق.، ص ۴.
۴۷. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۴، ۵ ربیع الاول ۱۳۳۳ ق.، ص ۴.
۴۸. نشریه شکوفه، س ۴، ش ۴، ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۴ ق.، ص ۳.
۴۹. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۹، ۳ جمادی الثانی ۱۳۳۱ ق.، ص ۳.
۵۰. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۱، ۶ محرم ۱۳۳۳ ق.، ص ۴؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ش ۲، ۲۸ محرم ۱۳۳۳ ق.، ص ۴.

۵۱. Tubercle

۵۲. مطبقه که امروزه تیفوئید یا حصبه خوانده می‌شود، از امراض عفونی و ساری است که به سبب وجود میکروب و ایجاد زخم‌های دگمه‌ای شکل در روده تشخیص داده می‌شود. این بیماری با تیفوس مشابهت دارد و در جوانان بیشتر دیده می‌شود (بنگرید به: لغت‌نامه دهخدا).
۵۳. محرقة که امروزه تیفوس نامیده می‌شود، مرضی عفونی است که توسط شپش سرایت می‌کند و چون علائم ظاهری آن شبیه تیفوئید است، به اشتباه بدین نام نیز خوانده شده است. در صورتی که در معالجه این بیماری اهمال شود، خطرناک است (بنگرید به: لغت‌نامه دهخدا).
۵۴. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۱۴، ۲۸ رمضان ۱۳۳۱ ق.، صص ۲-۳.
۵۵. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۱۵، ۲۰ شوال ۱۳۳۱ ق.، صص ۱-۲.

۵۶. خنّاق یا دیفتیری بیماری نفوذنکردن نفس در شش‌هاست که به‌واسطه بروز غشای کاذب در حلقوم عارض می‌شود. این بیماری به ویژه برای کودکان، خطرناک است. از نشانه‌های آن، کسالت، تب، گرفتگی صدا، سرفه و آزاردیدن در تنفس است (بنگرید به: لغت‌نامه دهخدا).

۵۷. سفلیس یا سیفلیس (Syphilis) مرضی عفونی و ساری آمیزشی است که به‌طور مادرزادی نیز به افراد منتقل می‌شود. عامل این ناخوشی باسیلی است ماریچی به‌نام تریپونما پالیدوم (Treponema Pallidum) (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: سامرویل، ۱۳۶۳ ش. صص ۷-۷۲۳).

۵۸. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۱۷، ۹ ذی‌الحجه ۱۳۳۱ ق. ص ۵۷.

۵۹. نشریه شکوفه، س ۲، ش ۲۰، ۱ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ ق. ص ۳.

۶۰. مرضی است معروف که آن را گری، خارش، گال و... گویند و آن دانه‌های کوچکی است که در آغاز سرخ‌رنگ باشد و با خارش سخت عارض بدن می‌شود و گاه چرک کند (بنگرید به: لغت‌نامه دهخدا).

۶۱. نشریه شکوفه، س ۲، ش ۲۰، ۱ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ ق. صص ۳-۴.

۶۲. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۱۴، ۲۸ رمضان ۱۳۳۱ ق. ص ۲؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: س ۲، ش ۲۰، ۱ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ ق. صص ۳-۴.

۶۳. نشریه شکوفه، س ۴، ش ۸، ۲ جمادی‌الثانی ۱۳۳۴ ق. ص ۴؛ برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ش ۹، ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۳۳۴ ق. صص ۳-۴.

۶۴. نشریه شکوفه، س ۴، ش ۹، ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۳۳۴ ق. صص ۳-۴.

۶۵. مرضی است عمومی و مسری که حیوانات و آدمیان بدان مبتلا می‌شوند و به سبب فساد هوا ایجاد می‌گردد (بنگرید به: لغت‌نامه دهخدا).

۶۶. مرضی عفونی است که میکروب آن توسط نیش پشه مخصوصی به‌نام آنوفل به خون انسان وارد می‌شود. این پشه در باتلاق‌ها و مرداب‌ها به‌فراوانی موجود است. میکروب‌های مالاریا به‌طور مستقیم به گلبول‌های قرمز خون حمله می‌کنند و آن‌ها را از بین می‌برند و در بیمار، کم‌خونی شدید ایجاد می‌کنند. از این‌رو، مالاریا مرضی خطرناک است. این ناخوشی را تب نوبه نیز می‌نامند، چون به تناوب (یک یا دوسه روز در میان) سبب تب و لرز می‌شود (بنگرید به: لغت‌نامه دهخدا).

۶۷. بادی است که به سبب آن شکم و پهلو درد کند و بیم هلاکت باشد (بنگرید به: لغت‌نامه دهخدا).

۶۸. نشریه شکوفه، س ۴، ش ۷، ۶ جمادی‌الاول ۱۳۳۴ ق. ص ۴.

۶۹. نشریه شکوفه، س ۱، ش ۱۵، ۲۰ شوال ۱۳۳۱ ق. ص ۴.

۷۰. Edward Jenner

۷۱. سابقه تمدن جدید در ایران. ۱۳۲۵ ش. صص ۷۲-۶۸.

۷۲. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۴، ۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ق.، صص ۱-۲.
۷۳. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۵، ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ق.، صص ۳-۴.
۷۴. نشریه شکوفه، س ۳، ش ۶، ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق.، صص ۱-۲.

فهرست منابع

- بیران، صدیقه. (۱۳۸۱ ش.). *سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر*. تهران: نشریات ویژه زنان، روشنگران و مطالعات زنان، صص ۳۹-۴۹.
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (۱۳۲۵ ش.). سابقه تمدن جدید در ایران: آبله کوبی در ایران. *مجله یادگار*. شماره سی و سوم، صص ۶۸-۷۲.
- دایره‌المعارف زن ایرانی*. (۱۳۸۲ ش.). به سرپرستی مصطفی اجتهادی. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ص ۸۵۰.
- سامرویل، جرج. (۱۳۶۳ ش.). *دائرةالمعارف پزشکی برای همه*. ترجمه مهرداد مهرین، تهران: اسکندری، صص ۷-۷۲۳.
- شکوفه به انضمام دانش، نخستین روزنامه و مجله زنان در ایران. (۱۳۷۷ ش.). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- شیخ‌الاسلامی، پری. (۱۳۵۱ ش.). *زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران*. تهران: زرین، صص ۸-۸۳.
- کهن، گوئل. (۱۳۶۲ ش.). *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*. تهران: آگاه، دو جلدی، جلد دوم، ص ۶۹۸.
- محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۶۶ ش.). *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*. تهران: بعثت، ص ۱۷۳.
- میر، محمدتقی. (۱۳۷۸ ش.). *فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران*. تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، دو جلدی، جلد اول و دوم، ص ۸۵.
- وطن‌دوست، غلامرضا. شییری، مریم. توکلی، مریم. (۱۳۸۵ ش.). بررسی موقعیت زن ایرانی در نشریات مشروطه. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، صص ۷-۲۳.

یادداشت شناسه مؤلفان

الهه باقری: کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، اصفهان، ایران.

شهنار خواجه: دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده

مسئول)

پست الکترونیک: shahnazkhaje@yahoo.com

Some points about public health and hygiene, especially mother and child health, from the viewpoint of Shekoufeh Journal

Elaheh Bagheri

Shahnaz Khaje

Abstract

Constitutional revolution was one of the impressive changes in Iran's the contemporary era. Constitutional revolution significantly influenced social, political and cultural conditions of Iran. The beginning of the constitutional movement provided the women with the opportunity to highlight the necessity of considering some crucial issues like public and individual health, especially mother -and-child health, by publishing ladies' journals. Considering health and hygiene was one of the lineaments of modernism. This vital responsibility was taken over, at that time, by ladies' journals.

Maryam Amid Semnani entitled *Mozayan al Saltaneh* was one of the Iranian women who published the second ladies' journal named *Shekoufeh*. It was published in ۱۳۳۰-۱۳۳۴L. / ۱۹۱۲-۱۹۱۶ A.D in Tehran.

The purpose of this study is to investigate the necessities of considering the hygiene and health of the society, especially that of mother and child, in recent years and from the viewpoint of *Shekoufeh* journal.

This research shows that most of the issues about health are related to the hygiene of women's pregnancy and childbearing period as well as children's health. In addition to caring for children, women were responsible for the health and hygiene of other members of the family.

Keywords

Shekoufeh Journal, Sanitation, Family Health, Mother and Child Health, School Health